

روایت امید و فلاکت

معرفی کتاب «پسرک نازنین:داستان پرسی معتاد به شیشه و پدری در کشاکش اعتیاد او»

وابستگی به یک عمل و رفتاری که موجب اختلال در زندگی فرد می‌شود، نوعی اعتیاد به آن عمل را در شخص نشان می‌دهد که علاوه بر آسیب‌های فردی، در جامعه نیز آثار سوء اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برجای می‌گذارد.

«پسرک نازنین» سعی پدری برای نجات فرزندش از دام اعتیاد به مواد مخدر است. دیوید شف که با مواد آشنا نبود، در این سال‌ها با شناخت انواع آن، فرزندش را برای درمان حمایت می‌کند و ۱۰ سال تلاش برای نجات «بیک» را در قالبی داستان گونه با بازگویی خاطرات شرح می‌دهد.

او در بخشی از کتاب می‌گوید: «با ننگ‌زدایی از اعتیاد، باید این وضعیت را بیماری هولناکی در نظر گرفت که بهتر است هرچه زودتر تشخیص داده شود.» او پس از تحقیقات بسیار به این نتیجه می‌رسد که فرد معتاد خودش باید بخواهد که درمان شود و با همه عشقی که به پسرش دارد، خود او را مسئول سلامت جسم و روانش می‌داند. مطالب و تجربیات نویسنده در ۲۵ فصل با مباحث راهکارهای جنگ با اعتیاد، تأثیر اعتیاد فرزندان بر والدین، توانایی برای درمان، بازگشت به مصرف، بهبود و پیشگیری از اعتیاد و ... تنظیم شده است.

این اثر تجربه‌ای کاربردی

است که در آن خواننده همراه با شف در برنامه‌های بازپروری شرکت می‌کند و نکات بسیاری از تأثیر اعتیاد بر خانواده، حس سرزنش، خشم و اضطراب و بی‌خوابی که به سراغ آنان می‌آید و نقش خانواده برای نجات فرزندان را می‌آموزد. نویسنده این اثر دیوید شف است و فروزنده داورپناه هم آن را ترجمه کرده‌است.

تردیدها و ترس‌های اسارت

معرفی کتاب همه سیزده سالگی ام(خاطرات اسیر آزاد شده ایرانی مهدی طحانیان)

کتاب «همه سیزده سالگی ام، خاطرات دوران اسارت مهدی طحانیان است، روایتی دست نخورده از آن دوران که با قلمی ساده، روان و بی‌کم‌وکاست بیان شده‌است. نویسنده در این اثر سعی دارد احساسات واقعی راوی در آن لحظات، همراه با تحولات روحی و فکری‌اش را به تصویر بکشد.

نوجوان سیزده ساله ای از شهرستان اردستان به شهر اصفهان می‌رود و از آنجا به جبهه‌های جنوب اعزام می‌شود. بخش ابتدایی کتاب بیانگر مشکلات و دردرس‌های طحانیان برای اعزام به جبهه است.

بخش بعدی نیز نمایی از مشکلات رزمنده نوجوان که اکنون در اسارت نیروهای یعنی است به‌نمایش درآمده،از کشاکش مصاحبه او در مقابل رسانه‌های غربی با موضوع اعزام اجباری‌اش توسط دولت ایران به جبهه‌ها. این بخش از کتاب ماجرای مصاحبه نکردنش با خبرنگار بی‌حجاب را شرح می‌دهد، آنجا که گفته بود در دین من آمده است که مرد مسلمان نمی‌تواند با زن بی‌حجاب صحبت کند.

همه سیزده سالگی ام در ۱۸ فصل به سه قسمت از خاطرات طحانیان از مشکلات قبل از اعزام به جبهه، دوران اسارت و سپس، آزادی پرداخته

است. جعفریان توانسته با روایتی دست نخورده و بکر، دوران اسارت و تحولات روحی و فکری یک اسیر، با همه تردیدها و ترس‌ها را بدون توجه به وضعیت فعلی او به تصویر بکشد. این کتاب حاصل کار گلستان جعفریان است و انتشارات «سوره مهر» آن را منتشر کرده‌است.

زین‌قنبر

علیرضا حیدری|مدرس ویراستاری

🔴 **در ادامه نکته‌ت وبرایش روز گذشته، توجه داشته باشیم که «بنت‌هایی که میان دواسم می‌آید، از دو طرف با فاصله نوشته می‌شود: فاطمه بنت‌اسد.**

🔴 **«بنت» به معنای فرزند مؤنث و دختر، در حالت اضافه، با فاصله نوشته می‌شود: «آزمیدخت، بنت‌ا= دختر» [پرویز، زنی عاقل بود» (ابن بلخی، فارس‌نامه، ص۱۲۶، از فرهنگ بزرگ‌سخن).**

🔴 **البته اگر «بنت» با واژه بعد خود واژه مرکب بسازد نیم فاصله نوشته می‌شود: بنت‌الحسین.**

#زین‌قنبرپارسی

نشست نقد و بررسی «بریل‌های ناگزیر» در حوزه هنری برگزار شد

آنجا که رنگ و نور و تماشا بریل شد



که شاعر از زمانه خود فراتر رفته)، اتفاقات امروز کشور و جامعه، زندگی شخصی شاعر و دنیای شخصی‌تر که منظور همان وضعیت جسمانی اوست. مظفری در پایان صحبت‌هایش و این نشست گفت: «در مجموع باید «بریل‌های ناگزیر» را به عنوان یک مجموعه غزل قوی قلمداد کرد که البته چهارپاره‌های آن، از زبان و بیانی نوتر برخوردار است، در حالی که در رباعی این نوگرایی کمتر به چشم می‌خورد. او با اشاره به ناپایا بودن شاعر گفت: «او موهبت رواقیانه زندگی کردن را دارد، به این معنا که می‌تواند به درون خودش رجوع کند. اما ما شاعران معمولی که درگیر پیرامون خود هستیم، در احوال درونی خود تأمل نمی‌کنیم. اگر عصمتی باز هم بیشتر و بیشتر به این سمت گام بردارد، قطعاً شعرهای بهتری از او خواهیم خواند.»

🔴 **حوزه هنری کتاب‌ها را برای حاضران فراهم کند**

پیش از صحبت‌های سومین منتقد و هم‌زمان با حضور کوتاه مجید عسکری، رئیس حوزه هنری، محمد کاظم کاظمی موقعیت را منتقد شمر و دوباره از مسئله نبود کتاب تحت بررسی، در نشست‌های نقد کتاب در حوزه هنری گلایه کرد و ابراز امیدواری کرد که مشابه سال‌های دور، حوزه، کتاب‌ها را به تعداد کافی برای شرکت‌کنندگان فراهم کند. «بریل‌های ناگزیر» نیز فقط به دست معدودی از شرکت‌کنندگان رسید.



از شرور خیابان‌های گلشهر تا فرمانده‌تک‌تیراندازان فاطمیون

یادداشت محمدکاظم کاظمی درباره کتاب «دوربرگردان» که روایت یکی از رزمندگان تیپ فاطمیون است

را شکل داده است. این قسمت از کتاب در واقع دو اثر دارد، یکی اثر معنوی یعنی اینکه به سیر تحول معنوی شخص واقف می‌شویم. دیگری اثر اجتماعی و شناختی که از یک تیپ آدم‌ها در جامعه پیدا می‌کنیم. تپیی که بسیار روایت نشده و اگر هم روایت شده است، عمدتاً اغراق آمیز و مربوط به چهره‌های خاص بوده است، یا او را «داش اکل» و «قیصر» دیده‌ایم. یا یک تبهکار اصلاح‌ناپذیر. اینکه چطور می‌شود یک کودک از یک خانواده سرشناس ومذهبی وآبرودار، به‌جوانی تبدیل می‌شود که همه اطرافیان، حتی اعضای خانواده‌اش از او خوف دارندو البته جوانی‌که در عین حال، علم حضرت عباس^(ع) را به چشم یک معجزه‌گر می‌بیند.

یک قسمت کوتاه ولی مهم و مؤثر این کتاب، روایت دوران کودکی و نوجوانی سلیمان است. این قسمت به‌نظم از آن رو بسیار اهمیت دارد که آنچه بر سلیمان در آن زمان می‌رود، بر بسیاری از کودکان مهاجر در طول چند دهه رفته است، محرومیت از تحصیل، موضوعی که این کودک را از مدرسه به خیابان می‌کشد و از خیابان به زندان، مشکلی که وقتی سردار قاسم سلیمانی آن را می‌شنود، اشک می‌ریزد و می‌کوشد که هر طور شده، زمینه تحصیل برای رزمندگان مهاجر را فراهم کند. من بیش از این نمی‌توانم سیر روایت کتاب را لو بدهم، دوست دارم کتاب را بخوانید و با من همراه شوید.

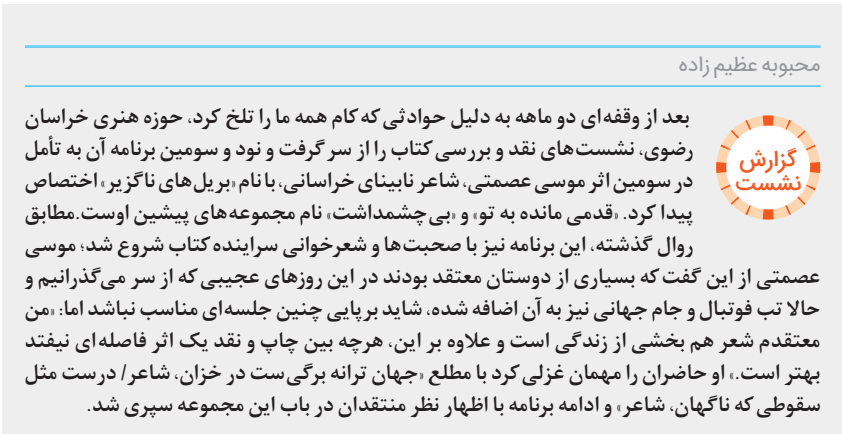
منبع: تسنیم

و آنچه که دیده و زندگی کرده و لمس کرده است. او در بخش دیگر صحبت‌هایش، به غزل «صدا» اشاره کرد و گفت با خواندن این شعر می‌توانیم متوجه اهمیت حس شنوایی برای ناپینایان شویم. موسی عصمتی در واقع صدا را مساوی می‌کند با حس لامسه و این حس در شاعر ناپینایی که شعر می‌گوید نمود بیشتری دارد. بوم گرای و اشاره به جغرافیای فرهنگی، عنایت به موسیقی شعر، ردیف‌های بلند جدید، دقت و توجه به مسائل روز و مسائل اجتماعی از دیگر ویژگی‌های شعر عصمتی است که دلارامی به آن‌ها اشاره کرد.

🔴 **تلاش برای فراتر رفتن از هنجارهای زمانه خود**

ابوطالب مظفری، شاعر اهل افغانستان، آخرین فردی بود که در باب این مجموعه سخن گفت. او بر این باور است که هر شاعری واژگانش را از دنیایی می‌گیرد که در آن زندگی می‌کند و به همان مقدار ممکن است از هنجارهای رایج زمانه خود تأثیر بگیرد.

او گفت: «این نکته مثبتی تلقی می‌شود و به این مناسبت که شاعر در حد هنجارهای زمانه خود است. اما انتظاری که ما از شاعر داریم این است که کمی از هنجارهای زمانه خود فراتر برود و عصمتی تا حدودی موفق شده از پس این کار بر بیاید.» مظفری در بخشی دیگر از صحبت‌هایش درباره مضمون‌های موجود در کتاب صحبت کرد و آن را شامل موارد زیر دانست: دنیای اسطوره‌ای که از تاریخ وارد ذهن او شده است (ویکی از جاهایی است



ناگزیر اشاره کرد و گفت: «او در راستای ملال‌زدایی از مخاطب به خوبی از ردیف‌های نو استفاده کرده و این کار اگر چه خطرانی دارد، اما محسناتی هم دارد از جمله اینکه رنگ و بوی تازه‌ای به شعر بخشیده است.» آخرتی در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «من با بچه‌های روشن‌دل و کم‌بینای زیادی سروکار داشتم. باید بگویم که تصویرسازی‌هایی چنین واقعا دشوار است برای فردی که از سن نوجوانی بینایی‌اش را از دست داده است. علاوه بر این، عاطفه موجود در شعر او بسیار اصیل است چون خود موسی عصمتی شخصیت باعاطفه‌ای دارد. شعرهای زیادی داریم که به ظاهر عاطفه در آن‌ها موج می‌زند اما همان‌طور که آن‌ها به بیرون تراوش کرده‌اند وارد ذهن مخاطب نمی‌شود و در نتیجه تأثیری که باید را بر مخاطب نمی‌گذارد.»

وجود تنوع فضایی در شعر عصمتی، به معنای حضور بستری از لحن و کلمه و مفهوم که موضوعات در آن شکل می‌گیرد، زبان یکدست و روان و ساده، استفاده از بافت محاوره زبان و حسو کم که به شکل‌گیری یک زبان شعر قوی منجر شده است، از ویژگی‌های دیگر این شاعر خراسانی بود که آخرتی به آن‌ها اشاره کرد.

🔴 **حرف‌های تازه و جغرافیای تازه**

زینب بیات، شاعر دیگری بود که صحبت‌های خود را با این جمله آغاز کرد: «بریل‌های ناگزیر مجموعه شعری است که جاذبه دارد، حرف‌های تازه دارد و جغرافیای تازه. یعنی ما هم لایه‌لای این کلمه‌ها به سرخس می‌رویم و به گردنه‌سینا و معدنی که در آن روستاست.»

او در ادامه صحبت‌هایش گفت: «بخش دیگری که برای خود من به عنوان یک افغانستانی جالب بود این است که، ماشعرهای فارسی‌وطنی زیادی در سال‌های اخیر از شاعران افغانستانی و ایرانی داشته‌ایم و آنچه در این مجموعه مشهود است، صمیمیت بیشتری است که ما در این جهان فارسی‌وطنی احساس می‌کنیم. نام‌هایی از جغرافیای افغانستان در این اشعار دیده می‌شود که شاید در اشعار دیگر دوستان فارسی‌زبان کمتر دیده باشیم. من واقعا احساس کردم که دل این شاعر همان اندازه که در ایران می‌تپد، به همان مقدار در افغانستان نیز می‌تپد.»

زینب بیات مجموعه شعر بریل‌های ناگزیر را دکلمه کرده که قرار است در قالب کتاب صوتی عرضه شود.

🔴 **توجه به حس شنوایی**

در ادامه نشست، دلارامی به اولین غزل مجموعه با نام «لویی بریل» اشاره کرد و گفت این شعر و اشارات آن به اشخاص نابینا، در واقع تجربیات شخصی شاعر است

🔴 **تجسم و تصور قوی به علاوه نگاه حرفه‌ای به کلمه**

«شعر موسی عصمتی قوی است و سروده‌های این کتاب از جهات زیادی قابل اعتنا و احترام هستند.» این، لب کلام علیرضا سپاهی‌لایین، اولین منتقدی بود که پشت تریبون قرار گرفت. او سپس از این گفت که عصمتی ضمن اینکه مدیون استعداد ذاتی‌اش در ادبیات است، مدیون چند اتفاق دیگر نیز هست که یکی از آن‌ها اتفاق ناگواری است که برایش رخ داده‌است. این شاعر نابینای اهل سرخس در سنی میانه کودکی و نوجوانی، بینایی ظاهری‌اش را از دست می‌دهد و لایین می‌گوید ناگزیر می‌شود تا به شنیده‌هایش بیشتر اکتفا کند و در ادامه با رادیو خو بگیرد: «من چون خودم بچه روستا هستم و با گوش کردن به رادیو بزرگ شدم، به خوبی می‌توانم بفهمم که رادیو چه تأثیری روی او گذاشته است. رادیو بسیار به رشد ذهنی آدم کمک می‌کند و عصمتی نیز به خوبی از رادیو استفاده کرده است و همین، باعث شده تجسم و تصورش تقویت شود.»

او در ادامه صحبت‌هایش همراهی همیشگی همسر موسی عصمتی را ستود و از این گفت که قطعاً حضور او به عنوان همدم و موسی خوب که آدم را تشویق می‌کند، عامل دیگری است که عصمتی از آن تأثیر گرفته است. میزبان جلسه، یعنی محمد کاظم کاظمی، فرد دیگری بود که علیرضا سپاهی لایین از او نام برد و گفت به شدت به رشد حرفه‌ای او کمک کرده است. شاعری که به قول خودش: «ما همه مدیون او هستیم.» غزل، چهارپاره‌ورباعی، سه‌قالبی است که در بریل‌های ناگزیر وجود دارد و این منتقد در بخشی دیگر از صحبت‌هایش به این نکته اشاره کرد که: «عصمتی نشان داده در همه قالب‌ها آدم توانمندی است و شاید دلیل عمده این موفقیت را باید در نگاه حرفه‌ای و کاملاً معاصر او به کلمه بدانیم. او به خوبی می‌تواند از کلمات کار بکشد.»

سپاهی لایین صحبت‌هایش را چنین به پایان برد: «بسیاری هستند که از محدودیتشان استفاده عاطفی می‌کنند و از این طریق، گله‌گزاری می‌کنند. عصمتی اما این کار را نکرده است. او یک شاعر استاندارد است که شاید اگر در تهران بود با توجه مواجه می‌شد، اما متأسفانه خراسانی‌ها اندازه تهرانی‌ها دیده نمی‌شوند.»

🔴 **ردیف‌های غیرمتداول و کم استفاده شده**

مهدی آخرتی، دیگر شاعر و منتقد، بر این باور است که به صورت کلی شعر عصمتی شعر خوبی است. ضمن اینکه انتقاداتی هم وجود دارد. او به ردیف‌های غیرمتداول و کم استفاده شده، به عنوان چشم‌گیرترین ویژگی بریل‌های



«دوست داشتم با حاج قاسم عکس یادگاری می‌گرفتم. نه برای پزدادن و نه برای اینکه به پلیس‌هایی که مدارک مهاجران را در ایران کنترل می‌کنند، نشان بدهم. می‌خواستم از اولین دیدارم با این مرد بزرگ خاطره‌ای بماند. ماشین در حال سرسره بازی روی گل‌ولای جاده بود، صدای سوت آشنایی به گوشم رسید، مغزم سریع پیام داد که این سوت خمپاره ۸۱ است که تا ثانیه‌ای دیگر در همین نزدیکی فرود می‌آید... چند خمپاره اطراف ماشین اصابت کرد و همه جا تاریک و سرد شد.... حتما شهید شدم، یک عکس هم با حاج قاسم نگرفتم تا بعد شهادتم بنر بشود و روی دیوار چهارراه کاشانی نصب کنند.»

این بخشی از کتاب تازه انتشارات جام‌چم است که با عنوان «دوربرگردان» به قلم سید زهیر مجاهد منتشر شده و روایت عبدالصمد علی‌زاده، مهاجر افغانستانی ساکن مشهد، است که آشنایی با حاج قاسم او را یک شرور به فرماندهی یگان تک‌تیراندازهای فاطمیون در سوریه تبدیل می‌کند.

محمد کاظم کاظمی، شاعر مهاجر افغانستانی که ویراستاری این اثر را بر عهده داشته، در یادداشتی به این کتاب پرداخته است. او نوشته: «حدود شش سال پیش، زمانی که هنوز جنگ سوریه جریان داشت و تیپ فاطمیون در آنجا نقش پررنگی داشت، هم فکری‌ها و تبادل نظرهایی در این باره انجام شد که این جریان را فقط یک جریان نظامی نبینیم، بلکه در پی تحکیم عقیده فرهنگی آن هم باشیم، همچنان که در جنگ تحمیلی هشت ساله هم فعالیت‌های فرهنگی همواره در کنار کارهای نظامی وجود داشت. درست به‌خاطر دارم که محمدحسین جعفریان در آن جلسات، از ضرورت خاطره‌نگاری و روایت‌نویسی از نبردهای فاطمیون می‌گفت، اینکه بعد از چند سال، چیزی که برای مای ماند همین روایت‌هاست و این‌ها می‌تواند دستمایه تاریخ شود، دستمایه هنر و ادبیات

گزارش یک کتاب

شود. اگر زمانی بخواهد بر اساس این وقایع نوشته شود، اگر فیلمی بخواهد ساخته شود، جز با اتکا به این روایت‌ها مقدور نیست. رزمندگان افغانستان در این چهار دهه اخیر، چندین درگیری در چندین جبهه را تجربه کرده‌اند. جنگ با حکومت‌کمونیستی و نیروهای متجاوز روسی، جنگ با طالبان در دور اول، جنگیدن در جبهه‌های جنگ تحمیلی در ایران و جنگیدن در سوریه در برابر داعش و متأسفانه از هیچ یک از این رویارویی‌ها روایت‌های بسیاری باقی نمانده است. از جنگ و جهاد در داخل افغانستان فقط یک سلسله‌خاطرات جهاد افغانستان باقی مانده است، از حضور رزمندگان افغانستان در جنگ تحمیلی فقط کتاب «از دشت لیلی تا جزیره منجون» مرحوم سرور رجایی را داریم و از جنگ سوریه، کتاب «دوربرگردان» تا جایی که من اطلاع دارم، اولین روایت مکتوب است که به‌صورت کتاب منتشر شده است.

از این جهت به‌نظم این کتاب بسیار مهم است، چون تا این لحظه، اثری یگانه است. کتاب، روایت زندگی یکی از فرماندهان فاطمیون است. فرماندهی که به نام «سلیمان» شناخته می‌شود. کتاب را سید زهیر مجاهد، بر اساس گفت‌وگوهایش با سلیمان تدوین و انتشارات جام‌چم آن را منتشر کرده است.

سلیمان زندگی‌ابوذر وار دارد. می‌دانیم که ابوذر غفاری پیش از اسلام آوردن، زندگی تاریکی داشت و یک چرخش ۱۸۰درجه‌ای از او ابوذر محبوب ما را ساخت. این چرخش ۱۸۰درجه‌ای، چیزی است که در یک سفر جاده‌ای، فقط در یک دوربرگردان اتفاق می‌افتد و این است وجه تسیمیه این کتاب.

نمی‌خواهم داستان کتاب را لو بدهم، می‌گذارم که خود خوانندگان، آن را بخوانند و این قصه شگفت‌رادر یابند، فقط می‌خواهم بگویم که این کتاب در واقع اثر یک چندبُعدی است. بخشی